

درس تاریخ

معجزه پابندی به منافع و مصالح ملی و اجتماعی،

همراه با تخصص و مدیریت

برنامه چهارم توسعه ایران (۱۳۵۱-۱۳۴۶)

دکتر علی رشیدی

و تعامل میان مدیران صنعتی، مقامات مسئول دولتی و نیروی کار صنعتی و بانکهای داخلی و بین‌المللی در اوضاع مناسب اجتماعی و سیاسی و آموزشی روز.

از سال ۱۳۵۲ با چهار برابر شدن قیمت نفت و سرازیر شدن دلارهای نفتی و سرمایه‌های خارجی به ایران، همه عوامل مساعد تعدیل‌کننده، بویژه جنبه‌های مدیریتی و نظارتی به هم ریخت و عدم تعادلها، جامعه را طی پنج سال به سوی انقلاب هدایت کرد.

در سالهای ۱۳۹۵-۱۳۵۸، درآمد نفت کمابیش ۱۳۰۰ میلیارد دلار بوده (تنها ۸۲۲ میلیارد دلار در دوران ریاست جمهوری احمدی‌نژاد)، ولی میانگین رشد اقتصادی سالانه کشور کمتر از دو درصد و رشد اشتغال صنعتی واقعی ناچیز بوده و پیامدهای رکود اقتصادی در کنار تمرکز چشمگیر جمعیت در شهرها و تخریب محیط زیست و منابع طبیعی و تحولات آموزشی بی‌برنامه به صورت بیکاری مزمّن جوانان تحصیلکرده و تورم سنگین و اعتیاد و نابسامانیهای اقتصادی و اجتماعی مشهود است.*

گزارش تحقیقی پیوست که در نخستین سال پس از انقلاب برای آگاهی دادن به مدیران و دست‌اندرکاران تازه‌کار و مدعیان پر حرارت تهیه و منتشر شد، این هدف را داشت که نشان دهد توسعه اقتصادی و اجتماعی متعادل، رشته باریکتر از مویی است که صدها سیاست و برنامه و هزاران کارگزار متعهد به منافع ملی و اجتماعی و کارشناس جهان‌نگر می‌طلبند که با

در سال ۱۳۵۸ که سمت معاونت اقتصادی بانک مرکزی را داشتم در اتاق خود نامه‌ای یافتم که مهدی سمیعی رییس کل سابق بانک مرکزی در سال ۱۳۴۸ به شاه نوشته بود و در آن از کوششها و زحمات و سفرهای خود به اروپا و آمریکا و دیدارهایش با مقامات مالی و پولی کشورها از جمله با دیوید راکفلر در نیویورک یاد کرده بود. او توانسته بود سی میلیون دلار برای طرحهای توسعه صنعتی کشور در چارچوب برنامه چهارم اعتبار بگیرد. در دوره این برنامه، رشد سالانه بخش صنعت ۱۳/۸ درصد بود، سهم بخش صنعت و معدن از ۱۵/۶ درصد به ۱۶/۵ درصد رسید، تولیدات صنعتی کمابیش دو برابر شد و اشتغال صنعتی در پنج سال ۵۴۴۰۰۰ نفر افزایش یافت. در دوره این برنامه، تولید ناخالص داخلی به قیمت عوامل، رشد سالانه ۱۳/۶ درصد را شاهد بود.

آنچه این معجزه اقتصادی را ممکن ساخت، پول و سرمایه داخلی نبود؛ قیمت هر بشکه نفت ایران هنوز کمتر از دو دلار بود و کل درآمد سالانه نفت از ۲/۵۹۷ میلیارد دلار (۱۳۵۱) فراتر نمی‌رفت.

زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و رشد، از یک‌سو جایگاه ایران در سطح جهانی بویژه نظر مساعد جهان صنعتی برای توسعه صنعتی ایران بود که پایه‌ریزی صنایع سنگین پتروشیمی، مس، آلومینیم، فولاد، پالایشگاههای نفت و گاز و توسعه شبکه‌های برق را ممکن ساخت و از سوی دیگر، برقراری نوعی تعادل

● آنچه معجزه اقتصادی در دوره برنامه چهارم توسعه را ممکن ساخت، پول و سرمایه داخلی نبود؛ قیمت هر بشکه نفت ایران هنوز کمتر از دو دلار بود و کل درآمد سالانه نفت از ۲/۵۹۷ میلیارد دلار (۱۳۵۱) فراتر نمی‌رفت.

زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و رشد، از یک سو جایگاه ایران در سطح جهانی بویژه نظر مساعد جهان صنعتی برای توسعه صنعتی ایران بود که پایه‌ریزی صنایع سنگین پتروشیمی، مس، آلومینیم، فولاد، پالایشگاه‌های نفت و گاز و توسعه شبکه‌های برق را ممکن ساخت و از سوی دیگر، برقراری نوعی تعادل و تعامل میان مدیران صنعتی، مقامات مسئول دولتی و نیروی کار صنعتی و بانک‌های داخلی و بین‌المللی در اوضاع مناسب اجتماعی و سیاسی و آموزشی روز.

کنترل دولت درآورد و متمم آن که در فروردین ماه ۱۳۱۱ به تصویب رسید نحوه اجرا مقررات تجارت خارجی را معین کرد. به‌موجب این قوانین:

۱- صادرات و واردات همه کالاهای طبیعی و صنعتی و همچنین تعیین سهمیه و شرایط صادرات و واردات در اختیار دولت قرار گرفت (ماده ۱).

۲- واردات کالاهای خارجی به ایران مستلزم صدور کالاهای طبیعی و صنعتی ایران به خارج گشت (ماده ۲).

۳- دولت مجاز گشت که اجازه وارد کردن کالاهای خارجی را به اشخاص یا شرکتهای مختلف واگذار کند (ماده ۳ قسمت الف).

۴- جز در مواردی که دولت خود صدور کالایی را بعهده گرفته یا حق انحصاری خود را به شرکتها یا اشخاص واگذار کرده یا صدور یک کالا را محدود یا ممنوع کرده بود، صدور کالاهای دیگر به شرط متابعت از مقررات و ضوابط مصوب دولت، آزاد می‌بود (ماده ۵).

۵- وزارت تجارت (با اجازه شورای وزیران) مجاز

کمترین امکانات، زمینه‌ساز بیشترین تولید و پیشرفت شوند و از پیامدهای منفی رشد و توسعه همچون تورم و افزایش نابرابری درآمدها و توزیع نادرست ثروت جلوگیری کنند.

حمایتهای گمرکی و مالی از سرمایه‌گذارهای صنعتی در ایران در سالهای پیش از انقلاب

حمایت دولت ایران از سرمایه‌گذارهای صنعتی با به‌کار گرفتن سیاستهای بازرگانی، مالی و پولی، روش کمابیش تازه‌ای است و از ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) به بعد است که دولتها با تهیه طرحهایی محدود برای ایجاد صنایع خاص به‌فکر تشویق سرمایه‌گذاری و حمایت از صنایع مورد بحث افتاده‌اند.^۱

در خرداد ۱۳۰۴ (۱۹۲۵) به‌منظور تأمین بودجه ساخت راه‌آهن سراسری، قانون انحصار چای و شکر به تصویب مجلس رسید که از جمله به دولت اجازه می‌داد از هر من (۲/۹۷ کیلوگرم) شکر و فرآورده آن دو قران و از هر من چای وارد شده شش قران افزون بر تعرفه گمرکی، عوارض وصول کند که با توجه به قیمت‌های جاری شکر و چای در آن زمان، به‌ترتیب معرف وضع ۲۵ درصد و ۲۰ درصد حقوق گمرکی تازه بر واردات این دو کالا بود.

قانون تعرفه گمرکی مستقل در سال ۱۳۰۷ (۱۹۲۸) به‌تصویب رسید. تا آن هنگام، به‌خاطر جلب موافقت اتحاد جماهیر شوروی و انگلستان که ۷۰ درصد بازرگانی خارجی ایران را در اختیار داشتند، سطح تعرفه کالاها بسیار پایین و در بیشتر موارد از ۱۵ تا ۲۵ درصد بود. با تصویب این قانون، دولت توانست گام بزرگی در راه استقلال گمرکی بردارد و از آن پس با وضع عوارض و مالیات‌های گوناگون بر کالاهای وارداتی و در اختیار گرفتن خرید و فروش ارز و انحصاری کردن بازرگانی خارجی، هدفهای اقتصادی و بویژه سیاست‌های صنعتی خود را پی گیرد.^۲

قانون انحصار تجارت خارجی مصوب ۶ اسفند ۱۳۱۰ (۱۹۳۲) کلیه تجارت خارجی ایران را تحت

پیشتر کالاهایی صادر کنند، بلکه ورقه را از بازرگانان صادرکننده به مبلغی در حدود ۵۰ درصد مبلغ اسمی ذکر شده در آن خریداری می‌کردند و همین، موجب تشویق صادرات می‌شد.

۳- دولت هر سال در نخستین هفته فروردین مقررات صادرات و واردات آن سال را به اطلاع همگان می‌رساند.

۴- دولت با تعیین سود بازرگانی برای کالاها و دریافت آن از واردکنندگان، حق انحصاری خود در وارد کردن برخی از کالاها را با رعایت ضوابط، به افراد یا شرکتها واگذار می‌کرد (یعنی منشأ حق دولت در تعیین سود بازرگانی، حق انحصاری دولت در تجارت خارجی بود). نکته درخور توجه این است که دولت به علت اهمیت پارچه (پنبه‌ای و پشمی) از نظر استفاده از مواد اولیه داخلی و نیز رفاه مصرف‌کنندگان در دوره ۱۳۲۰-۱۳۱۰ (۱۹۴۱-۱۹۳۱)، نه تنها انحصار تجارت آنرا در دست گرفته است، بلکه در همین مدت ۲۲ کارخانه با ۱۲۹۶۵۲ دوک و ۶۷۵ ماشین بافندگی ساخته شده است. جدول شماره ۱ واردات ماشینهای نساجی و دیگر ماشینها برای کارخانه‌ها را در سالهای ۱۹۵۹-۱۹۳۶ نشان می‌دهد.

کوششهای تازه برای ایجاد صنایع جدید و توسعه صنایع جانشین واردات

از سال ۱۳۳۴ (۱۹۵۵) که قرارداد تازه نفت با کنسرسیومی مرکب از شرکتهای نفتی آمریکایی، انگلیسی، فرانسوی و هلندی برای مدت ۲۵ سال به امضا رسید و درآمدهای نفتی ایران تا اندازه‌ای سیر صعودی خود را آغاز کرد، کوشش برای صنعتی کردن جامعه افزایش یافت و دولتها با تهیه و اجرای برنامه‌های عمرانی (برنامه‌های عمرانی دوم، سوم و چهارم) اقداماتی در راستای توسعه صنعتی کشور به عمل آوردند که شرح جزئیات و نتایج آن از حوصله این بحث بیرون است. ولی عملکرد برنامه عمرانی چهارم (۱۳۴۶-۵۱) در بخش صنعت و معدن را

گشت فهرست کالاهای خارجی را که برای آنها جواز ورود داده می‌شود تهیه کند.

۶- کالاهای وارد شده توسط دولت (کالاهای سرمایه‌ای) و واردات ماشین‌آلات و دیگر لوازم سرمایه‌ای توسط مؤسسات خصوصی، در صورتی که برای افزایش محصول جانشین واردات در کشور به کار می‌رفت، از اصل توازن (Net Balance Principle) معاف می‌شد، یعنی ورود این کالاها مشروط به صدور کالاهای ایرانی نمی‌بود.

۷- هر صادرکننده مکلف گردید که در ظرف هشت ماه از تاریخ صدور، ارز حاصل را با نرخ رسمی به دولت بفروشد.

سیستمی که از آن زمان برپایه قوانین مربوط به انحصار تجارت خارجی به وجود آمد و تا سال ۱۳۲۰ (۱۹۴۱) با دقت از سوی دولت اعمال می‌شد، ویژگیهای زیر را داشت:

۱- ورود یا صدور بسیاری از کالاها مانند شکر و چای، تریاک، دخانیات، ابریشم و نوغان، کالاهای نخی و پنبه‌ای، اتومبیل، غلات، قالی، خشکبار، پنبه، پشم و پوست، یا انحصاراً توسط دولت یا با مشارکت دولت توسط شرکتهای بازرگانی انجام می‌گرفت.

۲- دولت سالانه برای ورود کالاها سهمیه‌ای تعیین می‌کرد و واردکننده در صورت ارائه گواهی صدور، جواز ورود معادل مبلغ اسمی ذکر شده در گواهی صدور دریافت می‌کرد. گواهی صدور قابل خرید و فروش بود و بدین‌سان واردکنندگان ناگزیر نبودند

● توسعه اقتصادی و اجتماعی متعادل، رشته باریکتر از مویی است که صدها سیاست و برنامه و هزاران کارگزار متعهد به منافع ملی و اجتماعی و کارشناس جهان‌نگر می‌طلبند که با کمترین امکانات، زمینه‌ساز بیشترین تولید و پیشرفت شوند و از پیامدهای منفی رشد و توسعه همچون تورم و افزایش نابرابری درآمدها و توزیع نادرست ثروت جلوگیری کنند.

صنعتی نسبت به سال پایه (۱۳۴۶=۱۰۰) به ۱۹۴ رسید و به‌گونه میانگین ۱۴/۲ درصد افزایش نشان داد. سطح اشتغال در بخش صنعت و معدن در همین دوره ۵۴۴۰۰۰ نفر بیشتر شد و به ۱۸۹۰۰۰۰ نفر رسید.

می‌توان چنین خلاصه کرد: رشد سالانه ارزش افزوده این بخش به ۱۳/۸ درصد و سهم بخش صنعت و معدن در تولید ناخالص ملی از ۱۵/۶ درصد در سال ۱۳۴۷ به ۱۶/۵ درصد در سال ۱۳۵۱ رسید. شاخص تولیدات

جدول ۱- مقایسه واردات ماشین‌آلات برای صنعت نساجی و سایر صنایع کارخانه‌ای ۱۹۳۶-۵۹

ارزش سیف (هزار ریال)			وزن (تن)			سال
جمع کل	سایر	نساجی	جمع کل	سایر	نساجی	
۲۶۷۶۳/۰	۲۲۵۹۵/۶	۴۱۶۷/۴	۳۱۴۶/۱	۲۸۸۹/۹	۲۵۶/۲	*۱۹۳۶
۴۲/۶۷۷/۲	۳۸۸۵۹/۶	۴۸۱۷/۶	۴۶۹۲/۲	۴۴۸۱/۰	۲۱۱/۲	*۱۹۳۷
۲۹/۶۴۶/۰	۲۶۹۲۸/۳	۲۷۱۷/۷	۳۴۲۸/۵	۳۲۸۹/۰	۱۳۹/۵	**۱۹۳۸
۱۸/۰۲۲/۳	۱۷۲۳۸/۶	۷۸۳/۷	۱۸۵۹/۵	۱۸۱۹/۹	۳۹/۶	۱۹۳۹
۱۹/۷۷۱/۸	۱۸۳۶۶/۳	۱۴۰۵/۵	۱۹۲۹/۱	۱۸۶۸/۵	۶۰/۶	۱۹۴۰
۲۱/۶۰۱/۷	۲۰۹۲۶/۶	۶۷۵/۱	۱۷۵۵/۴	۱۷۲۱/۷	۳۳/۷	۱۹۴۱
۷/۰۱۵/۲	۳۲۹۰/۵	۳۷۲۴/۷	۷۷۱/۷	۲۱۹/۳	۵۵۲/۴	۱۹۴۲
۲/۳۱۰/۵	۱۵۵۱/۸	۷۵۸/۷	۸۷/۹	۵۸/۶	۲۹/۳	۱۹۴۳
۷/۴۵۶/۶	۷۲۹۲/۲	۱۶۴/۴	۱۷۱/۷	۱۶۸/۰	۳/۷	۱۹۴۴
۱۱/۳۰۱/۰	۱۰/۷۵۳/۰	۵۴۸/۰	۲۷۳/۰	۲۶۴/۰	۹/۰	۱۹۴۵
۴۶/۰۸۷/۶	۴۵/۵۱۹/۰	۵۶۸/۶	۲۱۵۰/۴	۲۱۴۱/۴	۹/۰	۱۹۴۶
۶۴/۲۶۱/۲	۵۶/۲۳۰/۱	۸۰۳۱/۱	۱۶۹۵/۳	۱۴۴۸/۸	۲۴۶/۵	۱۹۴۷
۷۳/۵۶۶/۷	۶۴/۰۲۳/۰	۹۵۴۳/۷	۱۶۸۱/۷	۱۵۱۳/۲	۱۶۸/۵	۱۹۴۸
۲۴۵/۲۷۶/۱	۱۵۸/۱۷۷/۷	۸۷۰۹۸/۴	۵۸۱۲/۴	۳۶۷۸/۱	۲۱۳۴/۳	۱۹۴۹
۳۳۲/۶۱۴/۴	۲۴۴/۲۷۰/۱	۸۸۳۴۴/۳	۸۶۰۲/۸	۶۲۹۳/۷	۲۳۰۹/۱	۱۹۵۰
۳۷۲/۵۶۷/۲	۲۸۵/۹۸۶/۸	۸۶۵۸۹/۴	۹۱۵۸/۳	۷۴۵۹/۷	۱۶۹۸/۶	۱۹۵۱
۴۳۲/۱۴۶/۸	۳۱۱/۳۱۲/۴	۱۲۰۸۳۴/۴	۴۸۳۷/۸	۳۸۹۷/۷	۹۴۰/۱	۱۹۵۲
۷۷۳/۹۱۸/۰	۵۳۷/۵۹۹/۴	۲۳۶۳۱۸/۶	۸۳۵۸/۹	۶۹۴۷/۳	۱۴۱۱/۶	۱۹۵۳
۹۲۲/۰۶۶/۶	۷۷۱/۴۵۹/۵	۱۵۰۶۰۷/۱	۹۹۷۹/۰	۸۷۱۲/۸	۱۲۶۶/۲	۱۹۵۴
۱/۰۱۰/۵۳۱/۶	۸۹۰/۲۴۰/۷	۱۲۰۲۹۰/۹	۹۱۰۹/۵	۸۱۳۶/۱	۹۷۳/۴	۱۹۵۵
۹۱۳/۴۴۶/۴	۸۰۱/۸۱۳/۱	۱۱۱۶۳۳/۳	۱۰۸۹۵/۳	۹۶۸۸/۱	۱۲۰۷/۲	۱۹۵۶
۱/۴۴۹/۰۳۵/۴	۱/۲۵۳/۸۴۱/۰	۱۹۵۱۹۴/۴	۱۶۸۰۵/۲	۱۴۸۴۷/۹	۱۹۵۷/۳	۱۹۵۷
۲/۵۸۹/۱۸۹/۰	۱/۹۶۱/۳۲۰/۹	۶۲۷۸۶۸/۱	۲۵۰۰۵/۲	۱۹۲۱۱/۴	۵۷۹۳/۸	۱۹۵۸
۳/۹۷۱/۱۴۴/۸	۲/۷۵۸/۳۶۰/۶	۱۲۱۲۷۸۴/۲	۳۵۴۸۲/۵	۲۴۰۹۳/۱	۱۱۳۸۹/۴	۱۹۵۹

Notes: Tariff nos. used for textile machinery were: 1936-40 951; 1941-9, 1834-44; 1950-9, 844-7. Tariff nos. used for other manufacturing industry were: 1935-40, 944, 947-50, 956-9; 1941-9, 1740-3, 1746-64, 177-82, 1785-98, 1803-13, 1819-33, 1845-52, 1866-73, 1882-90; 1950-9, 820-2, 823B, 824-5, 828, 830-2, 833B, 837-8, 840-9, 854B, 858. All tariff numbers relate to imports non-exempt from customs duties.

* Economic year, 21 June - 20 June.

** Nine months only.

Source: Julian Bharier, *Economic Development of Iran 1900-1970*, London, Oxford University Press, 1471 p. 175

جدول ۲- کارکرد تطبیقی اقتصاد ایران، ترکیه، مالزی و کره جنوبی (۲۰۱۰-۲۰۱۸)

سال	کره جنوبی درآمد سرانه (دلار)	ترکیه درآمد سرانه (دلار)	مالزی درآمد سرانه (دلار)	ایران درآمد سرانه (دلار)
۲۰۱۰	۲۰۵۴۰	۱۰۰۱۵	۸۶۵۹	۵۶۳۸
۲۰۱۱	۲۲۳۸۸	۱۰۴۷۷	۹۹۷۹	۶۵۹۹
۲۰۱۲	۲۲۵۸۹	۱۰۵۲۷	۱۰۳۴۵	۷۲۰۷
۲۰۱۳	۲۳۸۳۸	۱۰۷۴۵	۱۰۴۲۹	۵۰۳۹
۲۰۱۴	۲۵۱۸۹	۱۱۰۱۱	۱۰۶۵۲	۵۲۲۷
۲۰۱۵	۲۶۹۱۴	۱۲۰۵۲	۱۱۳۵۸	۵۴۱۶
۲۰۱۶	۲۸۸۱۴	۱۳۲۰۵	۱۲۰۷۷	۵۵۱۹
۲۰۱۷	۳۰۸۷۵	۱۴۴۸۳	۱۲۸۱۶	۵۴۰۵
۲۰۱۸	۳۳۱۰۸	۱۵۸۸۹	۱۳۶۰۷	۵۲۷۶

منبع: صندوق بین‌المللی پول

جدول ۳- کل اعتبارات فصل توسعه صنایع (میلیارد ریال)

عنوان برنامه	اعتبارات جاری نگهداشت سطح عملیات	اعتبارات عمرانی			جمع کل اعتبارات
		ثابت	غیر ثابت	جمع	
	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)=(۱)+(۳)	(۵)=(۱)+(۴)
ایجاد و توسعه صنایع غذایی	۱/۵۳	۸/۹۴	--	۸/۹۴	۱۰/۴۷
ایجاد و توسعه نساجی دستی روستایی و چرم	۱/۶۸	۵/۱۸	۰/۳۸	۵/۵۶	۷/۲۴
ایجاد و توسعه سلولزی و چاپ	--	۱۷/۴۹	--	۱۷/۴۹	۱۷/۴۹
ایجاد و توسعه شیمیایی و پتروشیمی	--	۷۵/۱۴	۱/۳۰	۷۶/۴۴	۷۶/۴۴
ایجاد و توسعه معدنی غیر فلزی	--	۵/۷۸	۰/۱۰	۵/۸۸	۵/۸۸
ایجاد و توسعه فلزی و ذوب فلز	۲/۵۰	۸۲/۵۷	--	۸۲/۵۷	۸۵/۰۷
ایجاد و توسعه مکانیکی	--	۲۷/۰۴	۱/۴۸	۲۸/۵۲	۲۸/۵۲
ایجاد و توسعه الکتریکی و الکترونیکی	--	۱۳/۵۵	--	۱۳/۵۵	۱۳/۵۵
ایجاد و توسعه وسائط نقلیه	--	۱۲/۱۳	۰/۴۵	۱۲/۵۸	۱۲/۵۸
اعتبارات صنعتی	--	۱۰۰/۰۰	--	۱۰۰/۰۰	۱۰۰/۰۰
کمکهای فنی	--	۴/۳۲	۰/۱۶	۴/۴۸	۴/۴۸
نظارت بر امور صنعتی	۳/۲۰	--	۰/۴۹	۰/۴۹	۳/۶۹
تحقیق و بررسی	۰/۹۴	--	۰/۴۷	۰/۴۷	۱/۴۱
خدمات اداری	۱/۰۵	--	۰/۱۲	۰/۱۲	۱/۱۷
جمع	۱۱/۰۰	۲۵۲/۱۴	۴/۹۵	۲۵۷/۰۹	۲۶۸/۰۹

منبع: سازمان برنامه، برنامه پنجم عمرانی کشور ۱۳۵۶-۱۳۵۲، تهران ۱۳۵۳، ص. ۱۳۵

● عملکرد برنامه عمرانی چهارم (۵۱-۱۳۴۶) در بخش صنعت و معدن را می‌توان چنین خلاصه کرد: رشد سالانه ارزش افزوده این بخش به ۱۳/۸ درصد و سهم بخش صنعت و معدن در تولید ناخالص ملی از ۱۵/۶ درصد در سال ۱۳۴۷ به ۱۶/۵ درصد در سال ۱۳۵۱ رسید. شاخص تولیدات صنعتی نسبت به سال پایه (۱۰۰=۱۳۴۶) به ۱۹۴ رسید و به‌گونه میانگین ۱۴/۲ درصد افزایش نشان داد. سطح اشتغال در بخش صنعت و معدن در همین دوره ۵۴۴۰۰۰ نفر بیشتر شد و به ۱۸۹۰۰۰۰ نفر رسید.

۱- تکمیل، تجهیز و توسعه واحدهای صنعتی موجود و ادغام واحدهای صنعتی مشابه؛
 ۲- ایجاد و توسعه صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای؛
 ۳- تأکید بر ایجاد و توسعه صنایع مبتنی بر هیدروکربورها (شیمی و پتروشیمی) و صنایع ذوب فلزات؛
 ۴- تشکیل ذخیره مواد و کالاهای اساسی مورد نیاز صنایع کشور در سالهای برنامه پنجم به‌منظور کاهش اثرات تورم جهانی و تداوم بی‌وقفه تولید صنعتی. در مورد راهکارها و سیاستهای تعرفه‌ای نیز آمده بود:

۱- بررسی مداوم سطح حمایت‌های گمرکی در رشته‌های گوناگون صنعتی، توجه به امکانات توسعه هر رشته، بعنوان یک اصل اساسی در سیاست تعرفه‌ای کشور مورد نظر خواهد بود و شیوه کاربرد این اصل در مورد کالاهای صنعتی گوناگون در برنامه پنجم عمرانی چنین خواهد بود:

۲- در مورد کالاهای مصرفی، سیاست کاهش حمایت گمرکی به‌منظور بهبود بخشیدن به کیفیت کالاهای ساخت کشور و ایجاد امکانات رقابت سالم با کالاهای مشابه.

۳- در مورد کالاهای واسطه و سرمایه‌ای، حمایت گمرکی مناسب از صنایع سازنده این کالاها در داخل

سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن (دولتی و خصوصی) در دوره برنامه چهارم با رشد سالانه به قیمت ثابت ۱۴۵ میلیارد ریال رسید که ۱۱۳ میلیارد ریال آن توسط سازمان برنامه و بودجه در چارچوب سرمایه‌گذاریها و پرداختهای عمرانی برای طرحهای زیربنایی و کلیدی یا به‌صورت تأمین اعتبار طرحهای دولت انجام گرفت و در همین مدت بانکهای تخصصی نیز نزدیک به ۲۷ میلیارد ریال به‌صورت وامهای ارزی و ریالی و مشارکت در سرمایه واحدهای صنعتی پرداخت کردند و کمابیش ۱۰ میلیارد ریال نیز توسط سرمایه‌گذاران خارجی از راه مرکز جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در صنایع کشور سرمایه‌گذاری شد.

برنامه پنجم عمرانی کشور ۱۳۵۶-۱۳۵۲ (تجدیدنظر شده) که با انقلاب نفتی و افزایش سریع درآمدهای ارزی ایران همزمان بود، افق دید و حوزه عمل دولت در زمینه صنعتی کردن جامعه را وسعت بیشتری بخشید و چه از نظر هدفهای کلی و چه از نظر هدفهای جنبی در زمینه صنعتی کردن جامعه، برنامه‌های بلندپروازانه‌ای تهیه شد و از جمله پیش‌بینی گردید:

۱- ارزش تولیدات صنعتی از ۵۰۹ میلیارد ریال در سال آخر برنامه چهارم با میانگین رشد کمابیش ۱۷ درصد در سال به ۱۱۳۰ میلیارد ریال می‌رسد.

۲- ارزش افزوده صنایع از ۱۶۴ میلیارد ریال در سال آخر برنامه چهارم با میانگین رشد حدود ۲۰ درصد در سال به ۴۰۸ میلیارد ریال در سال آخر برنامه پنجم خواهد رسید.

۳- ایجاد صنایع تازه و توسعه صنایع موجود برپایه مزیت نسبی انجام خواهد گرفت.

۴- افزایش صدور کالاهای صنعتی به‌منظور توسعه بازار واحدهای صنعتی کشور و همچنین تأمین نیازهای ارزی در بلندمدت از جمله هدفهای صنعتی تعیین شد.

سیاستها و راهکارهای توسعه صنعتی در برنامه پنجم چنین بود:

این سیاست بویژه در مورد کمک‌هایی که از محل اعتبارات عمرانی انجام می‌گیرد، رعایت خواهد شد. در زمینه حمایت از مصرف‌کننده:

۱- توسعه استاندارد کالاها و نظارت دائم بر کیفیت کالا به منظور بالا بردن مرغوبیت کالاهای تولیدی داخلی و صادراتی انجام می‌گیرد؛

۲- حمایت از مصرف‌کننده داخلی از راه کنترل مرغوبیت کالاها با توجه به قیمت تمام شده.

در زمینه سیاستها و مقررات سازمانی اعلام شد:
۱- سازمانهای دولتی و مؤسسات وابسته به دولت موظف به تأمین نیازمندیهای خود از محصولات ساخت کشور در صورت وجود کالاهای مشابه داخلی خواهند بود؛

۲- آب و برق و تلفن مورد نیاز صنایع بصورتی مطمئن و با نرخهای معین و کمابیش ثابت تأمین می‌شود؛

۳- بررسی و نظارت مداوم بر قیمت کالاهای وابسته صنعتی به منظور جلوگیری از افزایش معقول هزینه تولید کالاهای مصرفی به عمل خواهد آمد.

در برنامه پنجم عمرانی کشور (۵۶-۱۳۵۲) برای روابط اقتصادی بین‌المللی ایران، هدفی بزرگ و بلندپروازانه برای بهره‌گیری از امکانات مناسب در بازار گسترده بین‌المللی همراه با کوشش برای دور ماندن از مسایل ناشی از وابستگی در نظر گرفته شده بود.

در این راستا، بخشی از هدفهای مشخص برنامه چنین بود:

۱- رفع کمبودهای داخلی و کاهش فشارهای تورمی با تأکید بر واردات کالاهای مصرفی، سرمایه‌ای و واسطه‌ای؛

۲- ایجاد ثروت ملی و کسب درآمد از خارج؛

۳- اعطای کمکهای بلاعوض به کشورهای درحال توسعه به منظور توسعه روابط اقتصادی، سیاسی و تحکیم روابط دوستانه.

و برای نیل به هدفهای فوق از راهبردهای زیر استفاده می‌شد:

کشور به منظور کاهش واردات و تشویق ساخت آنها در داخل برقرار خواهد شد. از این حمایت پس از یک دوره معقول، رفته‌رفته کاسته خواهد شد.

در زمینه سیاستهای اعتباری نیز آمده بود:

۱- تشویق خرید سهام شرکتهای صنعتی توسط شرکتهای بیمه؛

۲- ایجاد بانکهای صنعتی ناحیه‌ای به منظور کمک به ایجاد واحدهای صنعتی؛

۳- تأمین نیازمندیهای سرمایه در گردش کارخانه‌های دولتی و خصوصی از راه بانکهای تخصصی و تجاری؛

۴- ایجاد مشوقهای مالی مانند نرخهای بهره ترجیحی برای صنایع کوچک بویژه در مناطق عقب افتاده؛

۵- کمک به بانکهای تخصصی و تجاری به منظور مشارکت در سرمایه‌گذاری صنایع کوچک و متوسط و اعطای وام به این صنایع بی‌توجه به وثائق متداول...؛

۶- تجدیدنظر در سیاست بانکهای تجاری و تخصصی به گونه‌ای که اعطای کمکهای مالی به صاحبان صنایع خصوصی برپایه ارائه طرحهای سالم و قابل اجرا انجام گیرد.

● سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن (دولتی و خصوصی) در دوره برنامه چهارم با رشد سالانه به قیمت ثابت ۱۴۵ میلیارد ریال رسید که ۱۱۳ میلیارد ریال آن توسط سازمان برنامه و بودجه در چارچوب سرمایه‌گذاریها و پرداختهای عمرانی برای طرحهای زیربنایی و کلیدی یا به صورت تأمین اعتبار طرحهای دولت انجام گرفت و در همین مدت بانکهای تخصصی نیز نزدیک به ۲۷ میلیارد ریال به صورت وامهای ارزی و ریالی و مشارکت در سرمایه واحدهای صنعتی پرداخت کردند و کمابیش ۱۰ میلیارد ریال نیز توسط سرمایه‌گذاران خارجی از راه مرکز جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در صنایع کشور سرمایه‌گذاری شد.

• برسرهم، حمایت دولت از صنعتی شدن و تشویق صنایع داخلی در سالهای پس از ۱۹۵۴ همواره تحت تأثیر دو عامل یکسره متضاد قرار داشته است: یکی وضع ارزی کشور و دیگری سطح قیمت کالاها و خدمات مصرفی در جامعه.

۳- پرداخت پیش از موعد همه وامهای خارجی کشور که شرایط آنها کمابیش نامساعد است.

با اجرای برنامه پنجم عمرانی کشور، ارزش افزوده بخش صنعت و معدن به گونه میانگین ۱۵/۸ درصد افزایش یافت و شمار شاغلان در بخش صنعت و معدن با رشد سالانه ۴/۴ درصد، ۲۴۸۰۰۰ نفر بیشتر شد. ارزش افزوده سرانه صنعت و معدن به قیمت ثابت ۱۰/۹ درصد بالا رفت. در همین مدت ۹۳۶ واحد صنعتی تازه راه اندازی شد و ظرفیت صنایع موجود نیز افزایش یافت به گونه ای که شاخص تولیدات صنعتی با میانگین رشد سالانه ۱۵/۹ درصد بالا رفت.

در همین دوره ۵۶-۱۳۵۲ (۱۹۷۷-۱۹۷۳) پرداختهای دولت از محل اعتبارات سرمایه گذاری ثابت برای بخش صنعت به ۲۸۹ میلیارد ریال رسید و ۶۵ میلیارد ریال نیز به صورت اعتبارات صنعتی پرداخت شد. در همین دوره، بانکهای تخصصی بر سرهم ۲۰۰/۳ میلیارد ریال به صورت وام و اعتبار به صنایع پرداخت کردند و میانگین رشد سالانه وامهای پرداخت شده توسط بانکهای تخصصی به صنایع، ۵۶ درصد شد.^۳

با بررسی کارکرد دولت در اجرای برنامه های عمرانی، بویژه برنامه های چهارم و پنجم عمرانی ۱۳۵۶-۱۳۴۷ در زمینه حمایت از صنایع، چند نکته آشکار می شود:

۱- دولت پیوسته صنعتی شدن را تشویق کرده و هر سال منابع بیشتری برای این کار اختصاص داده است؛

۲- افزون بر سرمایه گذارهای زیربنایی مانند ساخت راه آهن، جاده سازی، بندر سازی، ایجاد خطوط

الف - برای رفع کمبودهای داخلی و کاهش فشارهای تورمی واردات کالاهای مصرفی، سرمایه ای و واسطه تشویق می شود و برای این کار:

۱- تجدیدنظر مداوم در میزان تعرفه ها، سود بازرگانی و دیگر محدودیتهای مربوط به واردات جهت کاهش قیمت و تسهیل واردات کالاهای مورد نیاز؛

۲- تجدیدنظر در مقررات گمرکی و اداری ترخیص کالا؛

۳- کاهش وابستگی کشور به واردات کالاهای استراتژیک از بازارهای محدود؛

۴- سرمایه گذاری ایران در صنایع استراتژیک در خارج از کشور به گونه ای که ضمن تأمین بخشی از واردات مواد واسطه و تکنولوژی به کشور، به توسعه بازارهای صادراتی و حضور بیشتر ایران در بازارهای بین المللی کمک کند، مورد توجه قرار گرفته بود.

در زمینه ایجاد ثروت ملی و کسب درآمد بیشتر از خارج، از جمله روشهای زیر پیش بینی شده بود:

۱- اعطای وام با ضوابط بین المللی به کشورهای توسعه یافته و مؤسسات مالی و پولی بین المللی؛

۲- خرید بخشی از سهام مؤسسات صنعتی و خدماتی در دیگر کشورها؛

۳- مشارکت در سرمایه گذاری در طرحهای صنعتی کشورهایی که خواهان توسعه اقتصادی خویش هستند؛

۴- پیش خرید کالاهای سرمایه ای و استراتژیک در بازارهای بین المللی؛

در زمینه کمک به ثبات اقتصاد بین المللی نیز موارد زیر پیش بینی شده بود:

۱- اعطای اعتبار به مؤسسات پولی بین المللی با شرایط کمابیش آسان به منظور کمک به جبران کسری موازنه پرداختهای خارجی کشورهای واردکننده نفت؛

۲- اعطای اعتبار به مؤسسات مالی بین المللی با شرایط کمابیش آسان در راستای اعطای وامهای عمرانی به کشورهای در حال توسعه توسط این گونه مؤسسات؛

برق و تلفن یا ساخت خانه‌های کارگری و فراهم آوردن امکانات مربوط به آموزش کارگران و متخصصان در واحدهای تولیدی، بیشتر به صورت دادن وامهای درازمدت با بهره‌های اندک و اعتبارات کوتاه‌مدت و گاه به صورت تأمین بخشی از هزینه‌های زیربنایی پروژه بوده است.

۵- از سال ۱۳۴۵ بخشودگیهای مالیاتی شامل مالیات بر درآمد برای کارخانه‌هایی که از وزارت اقتصاد پروانه تأسیس دریافت می‌کردند در نظر گرفته شده بود. این معافیت برای مدت ۵ سال از آغاز بهره‌برداری نسبت به ۲۰ تا صد درصد درآمد طبق جدول معافیت‌های صنعتی برقرار شده بود و به همه واحدهای تولیدی تعلق می‌گرفت ولی از سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵) به واحدهایی که در شعاع دورتر از ۱۲۰ کیلومتری تهران ساخته می‌شدند، محدود شد.

۶- ممنوع کردن ورود کالاهای ساخته شده یا برخی از مواد واسطه یا تعیین سهمیه و موکول کردن ورود آنها به اجازه وزارتخانه‌های ذیربط، به منظور جلوگیری از اشباع بازار داخلی از محصولات مشابه خارجی و حفظ کیفیت کالاهای وارد شده و حمایت از صنایع داخلی، متداول بود و این کار بیشتر از راه طبقه‌بندی کالاهای وارداتی به صورت ضرور، نیمه ضرور و کم و زیاد کردن نسبت این گونه کالاها انجام می‌گرفت.

۷- در همه این سالها، نرخ تعرفه‌های گمرکی کمابیش ثابت نگهداشته می‌شده است، چنان‌که نرخ تعرفه انواع نخ پنبه‌ای و الیاف نسجی ترکیبی و مصنوعی و... شامل نایلون، پلی‌استر اکریلیک، ویسکوز، ریون، در مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) از ۱۰ تا ۱۵ درصد تعیین شده که حتی در مقایسه با نرخهای تعرفه گمرکی مستقل در ۱۹۲۷ تغییری نیافته است.

۸- سود بازرگانی و تغییر کم‌وبیش مداوم آن به منظور تشویق ورود یا جلوگیری از ورود زیاد کالاها به کار گرفته شده و این بیشتر در مورد کالاهای ساخته شده مصداق داشته است. در مورد ورود مواد اولیه

ارتباطی و شبکه‌های آبرسانی و تأمین نیرو و سوخت، دولت خود برپا کردن بسیاری از صنایع مادر و صنایع کلیدی را به عهده گرفته است، مانند صنایع فلزی و ذوب فلزات شامل ذوب آهن، ذوب آلومینیوم و تولید و تصفیه مس، صنایع شیمیایی و پتروشیمی، صنایع ماشین‌سازی، تراکتورسازی و... .

رفته‌رفته که کارخانه‌های سازنده کالاهای جانشین واردات بویژه در رشته‌های مواد خوراکی، پوشاک، چوب، کاغذ و... تا حد نزدیک به تأمین نیازهای داخلی برپا و بهره‌برداری از آنها آغاز شده، توجه دولت به تشویق تولید کالاهای واسطه و مواد اولیه و از آنجا به تولید انواع گوناگون ماشینها و تجهیزات صنعتی و فلزات اساسی لازم برای تولید کالاهای سرمایه‌ای نیز بیشتر شده است. وجود منابع عظیم گاز طبیعی و سنگهای معدنی فلزی که پایه‌های اساسی صنایع پتروشیمی و ذوب فلزات را تشکیل می‌دهد دولت را به چنین سیاستی رهنمون شده است.

۳- بخش خصوصی به‌گونه مستقل یا با مشارکت سرمایه‌گذاران خارجی و بویژه دولت در ایجاد و راه‌اندازی صنایع کالاهای مصرفی و واسطه‌ای پیوسته تشویق شده است و در نتیجه این حمایت و تشویقها، تولید در این رشته‌ها تنها در سالهای ۵۶-۱۳۵۳ از ۲۳ تا ۴۹ درصد افزایش یافته است.

۴- حمایت و تشویق دولت از ایجاد و راه‌اندازی صنایع مربوط به بخش خصوصی، غیر از فراهم‌سازی امکانات زیربنایی مانند واگذاری زمین، تأمین آب و

● افت درآمد سرانه (واقعی) در ایران از بالای هشت میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ به زیر پنج میلیون ریال در سال ۱۳۸۲ و سقوط درآمد سرانه از ۵۶۳۸ دلار در سال ۲۰۱۰ به ۵۲۷۶ دلار در سال ۲۰۱۸، در مقایسه با رشد ۶۱ درصدی درآمد سرانه در کره جنوبی و رشد ۵۲ درصدی درآمد سرانه در ترکیه و رشد ۵۷ درصدی درآمد سرانه در مالزی بسیار آموزنده است.

وضع ارزی کشور و دیگری سطح قیمت کالاها و خدمات مصرفی در جامعه.

افزایش درآمدهای نفتی (که به صورت ریال و ارز در اختیار دولت است) در هر دوره باعث شده است که دولت سیاستی کمابیش آزاد در زمینه بازرگانی خارجی و در قبال واردات کالاهای واسطه‌ای مورد نیاز صنایع در پیش گیرد و سرمایه‌گذاری در صنایع را با دادن انواع کمکها (وامها و اعتبارات) تشویق کند و خود نیز در تأسیسات زیربنایی و صنایع مادر و کلیدی سرمایه‌گذاریهای هنگفت کند و هزینه‌های اداری، رفاهی و اجتماعی خود را افزایش دهد. این سیاست مشارکت فعال دولت در کارهای اقتصادی، به علت برخورد با تنگناهای گوناگون مانند کمبود ظرفیت تخلیه و بارگیری در بندرها، کمبود نیروی انسانی ماهر، کمبود ظرفیت تولید یا کمبود قدرت مدیریت واحدهای صنعتی در اوضاع بحرانی، باعث پیدایش فشارهای تورمی چه از نوع افزایش هزینه تولید (Cost Pull) و چه از نوع (Demand Pull) زیادی تقاضای خرید شده است.

حساسیت دولت نسبت به وضع رفاهی مصرف‌کنندگان در حال و هوای تورمی، با توجه به ابعاد سیاسی آن، بیشتر سبب می‌شده است که بی‌درنگ سیاستهای کنترل ورود کالاهای ساخته شده یا مواد

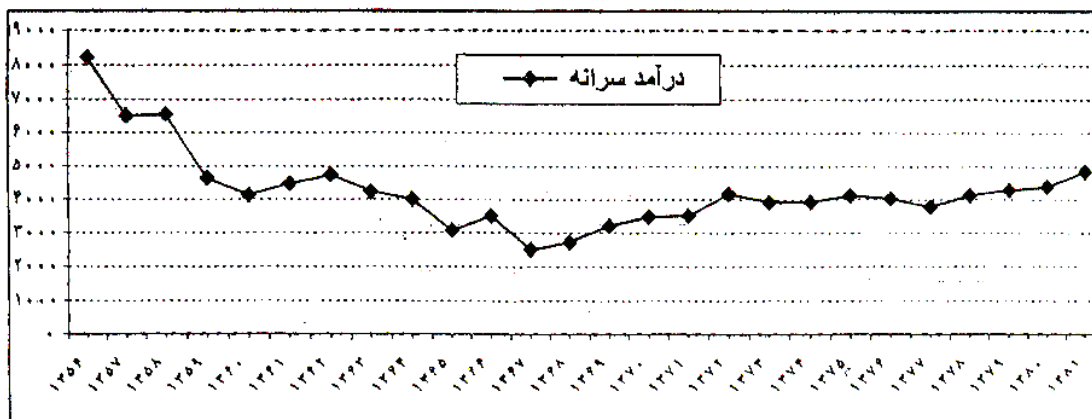
یا واسطه صنعتی، سود بازرگانی کمابیش اندک بوده است، چنان‌که در مقررات صادرات و واردات سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) سود بازرگانی واردات انواع الیاف مصنوعی از قرار کیلویی ۵ ریال یعنی یک‌هشتم حقوق گمرکی آن تعیین شده است.

۹- بانک مرکزی ایران از زمان تأسیس ۱۳۳۹ (۱۹۶۰)، بسته به رونق یا رکود اقتصادی و نیاز بازار به مواد اولیه یا کالاها در چارچوب همکاری و توافق با وزارت اقتصاد، یا بسته به موجودیها و درآمدهای ارزی، با تغییر حق ثبت سفارش (یک نوع مالیات بر واردات) یا سپرده ثبت سفارش که گاه به ۱۰۰ درصد قیمت CTF کالاها می‌رسیده و نیز تعیین محدودیتهای مقداری ارزی برای واردات کالاها یا مواد خاص، موجبات تشویق یا تحدید ورود کالاها یا مواد را فراهم ساخته است.

۱۰- هرگونه محدودیت در مورد واردات، با درجه تکامل کالا نسبت معکوس داشته یعنی همیشه کمترین محدودیت در مورد مواد اولیه و واسطه و ماشینهای مورد نیاز صنایع و بیشترین محدودیت در مورد کالاهای ساخته شده مصرفی وضع می‌شده است.

برسره، حمایت دولت از صنعتی شدن و تشویق صنایع داخلی در سالهای پس از ۱۹۵۴ همواره تحت تأثیر دو عامل یکسره متضاد قرار داشته است: یکی

نمودار ۱- روند درآمد سرانه به قیمت ثابت سال ۱۳۷۶ - هزار ریال



منبع: گزارش ربع قرن عملکرد نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۱-۱۳۵۶

اداره کل روابط عمومی، انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، ۱۳۸۳، ص ۳۲

ارزش ریال در برابر دلار ۱۱/۱ درصد افزایش داده شد تا از قیمت ریالی کالاهای وارداتی کاسته شود.

۲- در شش ماه نخست سال ۱۳۵۲، به منظور تشویق واردات:

- حق ثبت سفارش گروهی از کالاهای واسطه و ضرور و مواد اولیه حذف شد و در مورد بقیه کالاها از ۵/۵ درصد به یک درصد رسید.

- ممنوعیت ورود برخی از کالا لغو شد.
- سپرده ثبت سفارش پاره‌ای از کالاها کاهش یافت.

- از سود بازرگانی شماری از کالاها کاسته شد.
- نرخ برابری ریال به دلار بار دیگر ۱/۶ درصد بالا برده شده تا کالاهای وارده برحسب ریال ارزاتر شود.

۳- در مرداد ۱۳۵۴ نسبت سپرده ثبت سفارش ورود کالا توسط بخش خصوصی کاهش داده شد.

۴- از اول بهمن ۱۳۵۴ نرخ تنزیل مجدد، نرخ بهره وامهای تولیدی وارداتی و بازرگانی کاهش یافت.

۵- گذشته از اینها، به منظور کنترل فشارهای تورمی، سیستم نظارت بر قیمت‌های خرده فروشی و عمده‌فروشی برقرار گردید.

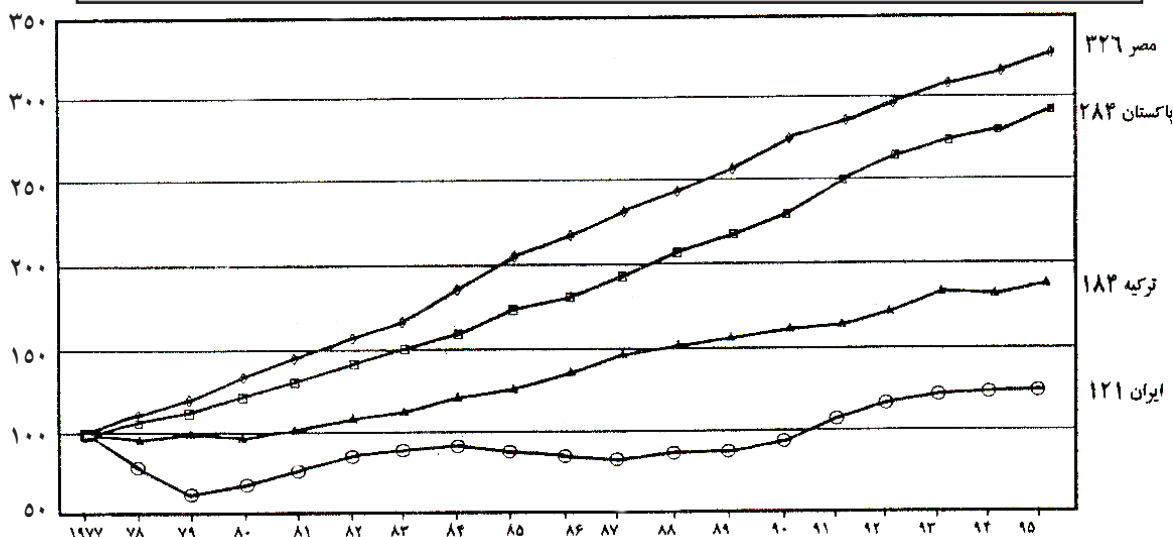
اولیه و واسطه و سیاستهای تشویق تولیدات داخلی و... تا اندازه‌ای سست شود و در مواردی یکسره کنار گذاشته شود. تغییرات پی‌درپی سیاست دولت در زمینه صنعت نساجی در این پنجاه سال، بهترین گواهی این مدعاست.

برای نشان دادن دشواری جمع کردن سیاستهای رفاهی دولت با سیاستهای حمایت از صنایع، کافی است تغییرات مقررات مربوط به واردات به هنگام فراوانی ارز و افزایش فشارهای تورمی از سال ۱۳۵۳ (۱۹۷۴) به بعد را بررسی کنیم. در سال ۱۳۵۳ دریافت‌های جاری ارزی کشور از ۶/۲ میلیارد دلار مربوط به سال ۱۳۵۲ به ۲۰/۹ میلیارد دلار رسید و رفته‌رفته تا سال ۱۳۵۶ به ۲۵/۹ میلیارد افزایش یافت. در چنین وضعی فشارهای تورمی نیز بالا گرفت و شاخص کل بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری از ۸۶/۶ مربوط به سال ۱۳۵۲ به ۱۶۰/۲ درصد در سال ۱۳۵۶ افزایش یافت. برای رویارویی با این فشارهای تورمی، تشویق واردات مورد توجه دولت قرار گرفت و رفته‌رفته اقدامات زیر به عمل آمد:

۱- در بهمن ۱۳۵۱ پس از افزایش درآمدهای نفتی،

نمودار ۲- رشد تولید ناخالص داخلی در ایران، ترکیه، پاکستان و مصر

سالهای ۱۹۹۵-۱۹۷۷ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۸۵ - پایه ۱۰۰=۱۹۷۷



یادداشتها

* افت درآمد سرانه (واقعی) در ایران از بالای هشت میلیون ریال در سال ۱۳۵۶ به زیر پنج میلیون ریال در سال ۱۳۸۲ (نمودار ۱) و سقوط درآمد سرانه از ۵۶۳۸ دلار در سال ۲۰۱۰ به ۵۲۷۶ دلار در سال ۲۰۱۸، در مقایسه با رشد ۶۱ درصدی درآمد سرانه در کره جنوبی و رشد ۵۲ درصدی درآمد سرانه در ترکیه و رشد ۵۷ درصدی درآمد سرانه در مالزی بسیار آموخته است (جدول ۲).

۱. پس از شکست ایران از روسیه در جنگهای ۱۰ ساله ۱۸۲۸-۱۸۱۸ و بسته شدن پیمان ترکمن‌چای در سال ۱۸۲۸، برپایه ماده ۳ قرارداد، ایران و روسیه موافقت کردند که فقط یکبار به میزان ۵ درصد قیمت کالاها از صادرات طرف دیگر تعرفه گمرکی بگیرند. در سال ۱۸۳۱ فتحعلی‌شاه دستوری صادر کرد و نرخ ۵ درصد تعرفه گمرکی در سراسر ایران عمومیت یافت و مأموران موظف شدند از کالاهای وارده صرف‌نظر از محل تولید آنها ۵ درصد ارزش آن حقوق گمرکی وصول کنند و این نرخ تا سال ۱۹۲۵ تغییر نیافت.

منبع: دکتر علی رشیدی: روابط اقتصادی بین‌المللی ایران، جلد اول ۱۹۴۱-۱۸۷۰ صفحه ۱۱۵ تکثیر شده توسط مؤسسه

علوم بانکی ایران، ۱۳۵۵

۲. همان منبع، صص ۱۲۵ و ۱۲۳

۳. منابع: سازمان برنامه و بودجه: برنامه پنجم عمرانی کشور ۱۳۵۶-۱۳۵۲ خلاصه تجدیدنظر شده، تهران مرداد ۱۳۵۳

صص ۱۳۶-۱۲۳

- بانک مرکزی ایران، گزارش اقتصاد و ترازنامه سال ۱۳۵۶، صص ۵۴-۴۷

۴. بانک مرکزی ایران - گزارش اقتصادی و ترازنامه سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۰

۶- از سال ۱۳۵۴ تا سال ۱۳۵۶ سیاستهای تسهیل واردات به‌منظور مبارزه با تورم ادامه یافت و این بار برای مبارزه با تورم، استفاده از ابزارهای پولی مانند افزایش نرخ بهره، کارمزد خدمات بانکی، کنترل مقداری اعتبارات و بالا بردن نرخ ذخیره قانونی و محدود کردن ظرفیت وامدهی بانکها و کنترل رشد نقدینگی توسط سیستم بانکی مورد توجه قرار گرفت.

۷- گذشته از کارهای یادشده در بالا که تحت تأثیر افزایش فشارهای تورمی در کشور صورت گرفت، با پیش‌بینی درست افزایش فشارهای تورمی در سطح جهانی، تشویق هرچه بیشتر واردات ماشینها و مواد اولیه و واسطه و ذخیره‌سازی آن در داخل، یکی از هدفهای مهم توسعه صنعتی کشور در برنامه پنجم اعلام گردید و چنان‌که آمار واردات سالهای ۱۳۵۶-۱۳۵۲ (دوره برنامه پنجم عمرانی کشور) نشان می‌دهد، از ۴۸۹۳۷ میلیارد دلار کل واردات در دوره پنج‌ساله، تنها ۵۴۵۲ میلیون دلار آنرا مواد خوراکی و حیوانی تشکیل می‌دهد و بقیه شامل ۲۰/۰۷۴ میلیون دلار ماشینها و لوازم حمل‌ونقل، ۱۵۳۱۰ میلیون دلار مواد اولیه و واسطه، ۳۷۰۱ میلیون دلار مواد شیمیایی و ۱۷۰۴ میلیون دلار مواد خام غیرخوراکی از جمله ۷۸۳ میلیون دلار الیاف نساجی و ۷۸۸ میلیون دلار لوازم علمی و حرفه‌ای و... بوده است که بیشتر به‌منظور مصون ماندن از افزایش قیمتهای جهانی و بویژه مبارزه با تورم وارداتی با تشویق دولت خریداری شده است.^۴